

خراج یا پیشکش نوروزی

بررسی آیین نوروز در عصر ساسانی

f.avarzamani@yahoo.com

فردون آوزمانی / دکترای باستان‌شناسی / عضو پیوسته پژوهشکده نظر

جشن نوروز را این پادشاه اسطوره‌ای مرسوم کرده است. نوروز چون از رسوم بسیار کهن سرزمین ماست برای شرح مراسم آن باید از قدیم‌ترین ایام تاریخ آغاز کرد، اما متأسفانه کهن‌ترین اطلاع ما درباره نوروز از زمان فرمانروایان هخامنشی فراتر نمی‌رود. آگاهی ما درباره جشن نوروز در آن زمان اغلب برگرفته از تصاویر و نقوش برجای مانده بر دیواره بناها و کاخ‌های هخامنشی است. چگونگی مراسم جشن و بارعام به ویژه بر دیواره پلکان‌های شرقی و شمالی کاخ خشایارشا در تخت جمشید به زیبایی و تفصیل به تصویر کشیده شده است، به نظر می‌رسد این صحنه‌ها، نوروز هر سال در تخت جمشید تکرار می‌شده است. در سوی شمال و شرق آپادانا، نژادگان پارسی و مادی که برای بار نوروزی به دربار روی آورده‌اند، در رده و صفی طولانی ایستاده و روبه‌روی آنان نمایندگان اقوام شاهنشاهی را با پیشکش‌های نوروزیشان برای شاه بزرگ می‌بینیم. نماینده هر ملت بهترین هدایای مخصوص سرزمینش را به فرمانروای هخامنشی تقدیم می‌کند.

نوروز در دوران ساسانیان

از چگونگی مراسم نوروز در زمان اشکانیان اطلاع زیادی در دست نیست، اما ثعالبی در کتاب «غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم» به برگزاری جشن مهرگان با شکوه فراوان در دربار اشکانیان مخصوصاً خسرو شهریار اشکانی اشاره می‌کند، بنابراین می‌توان گفت که آنها به آیین نوروز مانند مهرگان توجه داشته و مراسم این جشن را برگزار می‌کرده‌اند. خوشبختانه قسمت اعظم اطلاعاتی که کسروی، جاحظ، ابوریحان بیرونی، حکیم عمر خیام، قزوینی و سایر نویسندگان دوران اسلامی درباره نوروز در کتاب‌های خود آورده‌اند، انعکاس باورها و رسم‌های معمول دوران ساسانی است. مدارک موجود بیانگر آن است که در روزگار ساسانی برگزاری جشن نوروز از همیشه عظیم‌تر و باشکوه‌تر بوده است. پس از آنکه در بامداد نوروز پادشاه لباس مجللی بر تن می‌کرد، اولین فردی که به خدمت شاه می‌رسید موبد موبدان بود که با جامی زرین پر از می و انگشتری، دینار و درمی از سکه‌ها و شمشیری و تیر و کمان و دوات و قلم واسبی و شاهینی و با دسته‌ای از جو سبز و کودکی نیک‌روی به خدمت شاه آمده و او را چنین می‌ستود:

شها بجن فروردین، به ماه فروردین، آزادی گزین برداد و دین کیان / سروش آورد ترا دانایی و بینایی بر کردانی / و دیر زی با خوی هزیر و شاد باش با تخت زرین و انوشه خور به جام جمشید / رسم

مردم ایران زمین از دیرباز شیفته برگزاری آداب و رسوم نیکویی که سبب فزونی نیرو و نشاط و تقویت جسم و روان می‌شد، بوده‌اند. نوروز، گرمای یادگار نیاکان اندیشمند ما، سمبل و نماد این مراسم کهن و دیرینه محسوب می‌شود. پیدایش نوروز در یادمان اساطیری ایران به سلسله پیشدادیان و به دوران طلایی و آرمانی جمشید نسبت داده می‌شود که در باور ملی ایرانیان در آن روزگار پیری، گرسنگی، تشنگی، سرما و گرما و هیچ آفتی وجود نداشت؛ آب و گیاه، ناخشکدنی و نعمت‌ها پایان ناپذیر بود. آنگونه که در بهشت توصیف شده است.



واژگان کلیدی: نوروز، ساسانیان، نوروز عامه، نوروز خاصه

پیدایش نوروز

نوروز به معنی روز نو است و علت نامگذاری این روز را چنین نوشته‌اند: جمشید که ابتدا او را جم می‌نامیدند سیر عالم می‌کرد، چون به آذربایجان رسید فرمود تخت مرصعی را بر جای بلندی رو به جانب مشرق گذارند و خود تاج مرصعی بر سر نهاده بر آن تخت بنشست، همین که آفتاب طلوع کرد و پرتوش بر آن تاج و تخت افتاد، شعاعی در غایت روشنی پدید آمد، مردمان از آن شادمان شدند و گفتند این روز نو است، و چون به زبان پهلوی شعاع را «شید» می‌گویند این لفظ را بر جم افزودند و او را جمشید خواندند و جشن عظیم کردند و از آن روز این رسم پیدا شد. (ابوریحان، ۱۳۵۲: ۲۸۱).

حکیم عمر خیام نیشابوری در کتاب «نوروزنامه» درباره منشاء پدیدآمدن نوروز می‌گوید: «اما سبب نام نهادن نوروز آن بوده که چون بدانستند که آفتاب را دو دور بود یکی آنک هر سیصد و شصت و پنج روز و ربعی از شبانروز بول دقیقه حمل باز آید... و چون جمشید آن روز را یافت نوروز نام نهاد و جشن آیین آورد، و پس از آن پادشاهان و دیگر مردمان بدو اقتدا کردند». (خیام، ۱۳۸۵: ۲) روشن است که این افسانه‌ها را نمی‌توان دلیل ایجاد جشن نوروز دانست، اما می‌توان گفت که با تکیه بر بنیاد روایات متعدد،

نیاکان در همت بلند و نیکوکاری و داد و راستی نگاه دار / سرت
سبز باد و جوانی چو خُوبید

اسپت کامکار و پیروز، تیغت روشن و کاری بدشمن، بازت گیرا
و خجسته به شکار، کارت راست چون تیر کشور بگیر نو، بر تخت
با درم و دینار، پیشت هنر و دانایی گرامی و درم‌خوار، سرایت‌آباد
و زندگانی بسیار. سپس جام شراب را به پادشاه می‌داد و دسته
خُوبید (جوسبز) را در دست دیگر او می‌گذاشت و دینار و درهم را
در پیش تخت وی می‌نهاد. (خیام، ۱۳۸۵ : ۱۹ و ۱۸)

مقصود از آوردن این هدایا که گفته شد این بود که شاه و
بزرگان دولت را دیده بر آنها افتد تا در سراسر سال شاد و خرم
باشند و آن سال برایشان مبارک شود. پس از این مقدمات،
بزرگان دولت به خدمت می‌آمدند و هدایایی تقدیم می‌کردند،
هدایای نوروزی از طرف شاهان کشورهای دوست و تابعه (انیران)،
شهرداران، اسپهبدان، همسران پادشاه و امرای کشور و گاهی عامه
مردم به پادشاه تقدیم می‌شد، شاه نیز به هدیه‌دهندگان به نسبت
درجات و اهمیت آنان چیزها هدیه می‌کرد. وصول مالیات‌های
مملکت در ایام شاهان ساسانی در نوروز آغاز می‌شد و این رسم
تا زمان فرمانروایان اسلامی نیز ادامه یافت و همچنان معمول بود.
هدایایی که از کشورهای تابعه یا دوست و همجوار در نوروز تقدیم
پادشاه می‌شد به تقریب همانند پیشکش‌هایی بود که در دوران
هخامنشی مرسوم بود و تا دوران ساسانی این رسم تداوم یافته
بود برای مثال : از هند فیل و شمشیرهای هندی و مشک و پوست
حیوانات و از سند، طاووس و طوطی و از روم پارچه‌های ابریشمی
و مرزبانان شمش‌های زر و سیم. (جاحظ، ۱۳۴۳ : ۲۳۸).

نوروز عامه و نوروز خاصه

جشن نوروز به دو بخش عامه و خاصه تقسیم شده بود، به
طوری که اشاره شد روز اول، پادشاه مراسم جشن را افتتاح کرده
و دادن بار و اعطای هدایا را اعلام می‌نمود، روز دوم مخصوص
کسانی که در کشور بالاترین مقام و اهمیت را دارا بودند یعنی
نمایندگان هفت خاندان بزرگ اشراف و نجبا بود، روز سوم
سلحشوران و نمایندگان روحانیان عالی مقام، روز چهارم اعضاء
خانواده و بستگان و محارم درگاه، روز پنجم فرزندان و مالکین
بزرگ به دیدار می‌آمدند و روز ششم شاه به استراحت و تماشای
هدایا می‌پرداخت و این روز را نوروز بزرگ می‌گفتند. در آن هنگام
فقط نزدیک‌ترین دوستان و کسانی که شایسته خلوت او شمرده
می‌شدند با او همنشینی داشتند. این اطلاعات را «کسروی» و
«بیرونی» با کمی اختلاف ثبت کرده‌اند. در روزهای نوروز همه
روزه در کوزه‌های آهنین یا سیمین برای شاه به شکل سمبلیک
آب می‌دزدیدند و شاه می‌گفت : «این آب از دو نفر نیک بخت
و پربرکت دزدیده شد» و گردنبنندی از یاقوت سبز که به نخ
زرین کشیده و منجوق‌هایی از زبرجد به آن آویخته شده بود به
گلوی کوزه می‌بستند و تنها دختران این آب را از زیر آسیابها و
چشمه‌سارها می‌دزدیدند. (اینوسترانسف، ۱۳۵۱ : ۹۵)

هر روز از سال در زمان ساسانیان فرشته نگهبانی داشته که آن
روز به اسم او نامیده می‌شد؛ روز اول ماه روز هرمزد (اهورمزدا)

و شش روز دیگر به اسامی امشاسپندان نامیده می‌شد که ارواح
مقدس و جاودان و در حول اهورامزدا بوده‌اند. برخلاف چهار
امشاسپند اولی که هر یک هويت جداگانه و مستقل دارند، خرداد و
امرداد (هوروات و امرتات) همیشه با هم هستند، خرداد، نگهبان
آب‌ها و امرداد نگهبان رستنی‌هاست و حضور یکی در نقطه‌ای
نشان حضور دیگری است. می‌توان گفت روز ششم به عقیده
زرتشتیان روز میلاد زرتشت پیامبر ایرانی است که در همین روز
نیز به پیامبری برگزیده می‌شود و گشتاسب مذهب زرتشت را در
این روز پذیرا شد و رستاخیز هم نیز در همین روز ششم فروردین
واقع خواهد شد. در این روز سعادت بر اهل زمین قسمت می‌شود
و از این جهت است که ایرانیان آن را روز امید نامیده‌اند.

«جاحظ» در کتاب «تاج»، بارعام را به صورت دیگری به ثبت
رسانده است : «از عادات و اخلاق پادشاه یکی این است که یک
روز در مهرگان و یک روز در نوروز بارعام دهد و در این روز هیچ
کس از خرد و بزرگ و دانا و نادان و پست و شریف را از باریافتن
باز ندارد پس در آنروز شاه موبد را فرمان می‌داد که مردان مورد
اعتمادی از همراهان خود را مأمور کنند که بر در سرای شاهی که
برای ورود افراد ملت باز است بایستند تا هیچکس از بار یافتن به
حضور شاه باز نداشته نشود». (جاحظ، ۱۳۴۳ : ۲۱۶).

مراسم نوروز با خواندن سرود و اجرای موسیقی همراه بود. نام
بعضی از این آهنگ‌ها از آن دوران به یادگار مانده مانند «سرود
خطاب» که احتمالاً سرود تهنیت به پادشاه بود و سرودهای
بهار که مخصوص خود نوروز بوده و سرودهایی مربوط به باران
و مجموعه ستارگانی که سبب بارندگی بوده، یعنی سرودهایی
که مربوط به عوامل طبیعت بوده و در کشاورزی اهمیت فراوان
داشتند و یادآوری آنها در نوروز به موقع و شایسته بود و بالاخره

سرودهای آفرین و خسروانی
و دهها سرود دیگر. جشن
نوروز در بین عامه مردم نیز با
شوق و شادی برگزار می‌شد
و بسیاری از آداب نوروز در
نوشته‌های متفکرین ایرانی در
دوره اسلام منعکس شده است.
بیرونی روایت می‌کند: هر کسی
که در بامداد روز نوروز پیش
از سخن گفتن سه بار غسل
بچشد و خانه‌اش را با سه تکه
شمع بخور دهد، در طول

سال از بیماری‌ها در امان ماند و قزوینی تأکید می‌کند که رسم
تعارف و خوردن شیرینی در دوران ساسانی همگانی بوده است :
"به همدیگر شیرینی هدیه می‌کنند و برای توجیه این رسم گویند
که چگونه نیشکر در دوران جم پیدا شد" بیرونی می‌افزاید در این
روز جم به مردم فرمان داد که خود را با آب بشویند تا از گناهان
پاک شوند. از سوی دیگر بعضی نقل می‌کنند که علت واقعی
شست و شو در این روز آن است که این روز به خرداد اختصاص
دارد که فرشته موکل بر آب است و اوست که با آب پیوستگی

بر اساس شواهد در دوران ساسانی،
پیشکش‌دادن و پیشکش‌گرفتن امری معمول
به شمار می‌آید. به طوری که در جشن نوروز هم
نمایندگان کشورهای تابعه، بزرگان و امرای کشور
و حتی مردم عامه به پادشاه پیشکش می‌دادند
و هم آنها از پادشاه پیشکش می‌گرفتند.
فلسفه پیشکش دادن به پادشاه این بود
که با نگاه کردن به هدایا، شادی و خرمی
برای کشور در سال جدید به ارمغان آید.

دارد، از این روست که مردمان در هنگام سپیده‌دم این روز خود را می‌شستند و در آب کاریز و آبگیرها غوطه‌ور می‌شدند، گاهی اوقات از آب‌های جاری برمی‌داشتند و آن را برای تبرک و نیز به این منظور که آفت‌ها را از خود دور سازند بر خود می‌پاشیدند و همچنین مردمان به یکدیگر آب می‌پاشیدند. «دمشقی» گوید :

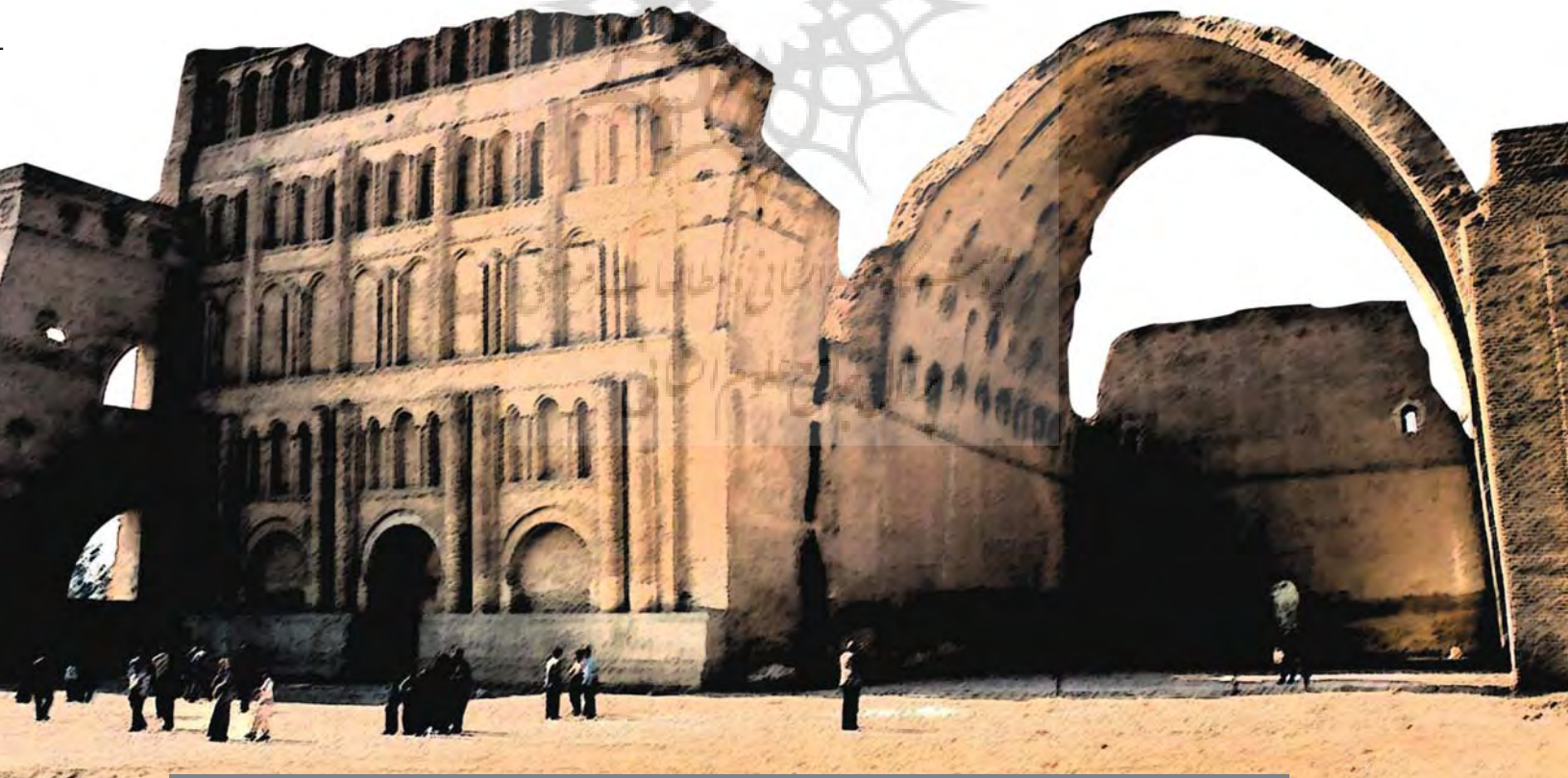
"عامه مردم این جشن را با روشن کردن آتش در شب هنگام و با ریختن آب بر زمین در بامدادان برگزار می‌کردند و به زعم آنان این کار هم برای از میان بردن بخارهایی است که زمستان در هوا برجای گذاشته و هم برای اعلام فرارسیدن سال نو و آگاه کردن مردم از شروع جشن نوروز بود."

جمع بندی

نوروز در دوران ساسانیان بین عوام و خواص از جایگاهی ویژه برخوردار بود چنانچه برگزاری آن چند روز (دست کم شش روز) طول می‌کشید و به دو دوره نوروز کوچک و نوروز بزرگ تقسیم می‌شد. نوروز کوچک یا نوروز عامه پنج روز بود و از یکم تا پنجم فروردین گرمای داشته می‌شد و روز ششم فروردین (خردادروز)، جشن نوروز بزرگ یا نوروز خاصه برپا می‌شد. در هر یک از روزهای نوروز عامه، طبقه‌ای از طبقات مردم به دیدار شاه می‌آمدند و هدایای خود را به شاه پیشکش می‌کردند. در روز ششم، شاه به تماشای هدایا می‌پرداخت. مراسم تاجگذاری شاهان ساسانی نیز در نوروز با شکوه خیره‌کننده‌ای انجام می‌شد که در نامه‌ای دیگر به شرح آن خواهیم پرداخت.

منابع

- اینوسترانسف، کنستانتین (۱۳۵۱) *تحقیقاتی درباره ساسانیان*، ترجمه: کاظم کاظم زاده، ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- برهان، محمدحسین بن خلف (۱۳۴۸) *برهان قاطع*، به کوشش: سعیدی پور، تهران.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۲) *آثار الباقیه*، ترجمه: اکبر دانا سرشت، کتابخانه ابن سینا، تهران.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۳۴۳) *تاج*، ترجمه: محمدعلی خلیلی، کتابخانه ابن سینا، تهران.
- خیام، عمر بن ابراهیم (۱۳۸۵) *نوروزنامه*، به کوشش مجتبی مینوی، انتشارات اساتیر، تهران.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۳۹) *گاه شماری ایرانیان*، شورای ملی فرهنگ و هنر، تهران.
- کریستن سن، آرتور امانوئل (۱۳۶۸) *نخستین انسان و نخستین شهریار*، ترجمه: احمد تفضلی، نشر نو، تهران.



طاق کسری، تیسفون

خسرو انوشیروان در سال ۵۴۹ میلادی، پس از برگزاری مراسم نوروز دستور ساختن تالار بزرگی را به ضمیمه کاخ سلطنتی تیسفون که از دجله فاصله زیاد نداشت صادر کرد و این تالار و ساختمان ضمیمه آن، سال ۵۵۱ میلادی آماده بهره برداری شد و آیین‌های نوروزی آن سال در آنجا برگزار شد. دهها سال مراسم نوروزی در این تالار برگزار می‌شد.

مأخذ: www.fadak.us